



انتقال آب از سد طالقان به تهران

پروژه عظیم انتقال آب از سد طالقان به استان‌های تهران و البرز به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شود. به گزارش مهر، احسان استحمامی، مدیر امور مهندسی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران گفت: پروژه عظیم انتقال آب از سد طالقان به استان‌های تهران و البرز به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شود. او ادامه داد: در حال حاضر در کیلومتر ۵۴ خط انتقال قرار داریم؛ نقطه‌ای که از مجموع ظرفیت ۵ مترمکعب در ثانیه، ۲/۵ متر مکعب بر ثانیه آب سهم استان البرز به تصفیه‌خانه شماره ۲ البرز تحویل می‌گردد. به گفته وی تا این نقطه، ۵۳ کیلومتر از ۵۴ کیلومتر خط لوله اجرا شده و عملیات نصب شیرآلات نیز در حال انجام است. استحمامی تاکید کرد: ایستگاه کاهش فشار در این محل، فشار خط را از حدود ۱۲ بار به ۲ بار کاهش می‌دهد تا شرایط مناسب برای تصفیه در تصفیه‌خانه فراهم شود. پس از این نقطه، خط انتقال تا آب‌گیر بیلقان ادامه پیدا می‌کند و در آنجا نیز ۲/۵ مترمکعب سهم استان تهران به خط اضافه می‌شود تا ظرفیت کامل ۵ مترمکعب در ثانیه عملیاتی گردد.



دریافت پول واقعی آب از بدمصرف‌ها

باید با پدیده بدمصرفی آب مقابله کرد: این انصاف نیست که یکی در استخری که با آب شرب پر کرده شنا کند و در همان زمان، یکی آب شرب برای خوردن هم نداشته باشد. عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو در گفت‌وگو با تسنیم، با تاکید بر لزوم اجرای عدالت در توزیع آب شرب به اندازه نیاز مصرف گفت: من دارم تلاش می‌کنم پیشنهادی را تهیه و ارائه دهم تا قیمت تمام‌شده تأمین آب شرب از آنهایی که بسیار بدمصرف هستند گرفته شود. او افزود: این باید متناسب شود و حدی از مصرف را برای همه آحاد ایران، چه پولدار و چه فقیر، مشخص کنیم و در دسترس همه باشد. وی ادامه داد: صیانت از آب و اصلاح روند مصرف آن، وظیفه تک تک آحاد جامعه از مسئولان تا مردم است و همه و همه باید به موضوع استفاده درست از آب توجه جدی داشته باشیم و از هدرروی آن به هر شکل جلوگیری کنیم.



کاهش صادرات به همسایگان

بخشی از دلایل کاهش صادرات ایران به همسایگان در سه ماه نخست امسال، به خاطر کاهش حجم صادرات گاز طبیعی و افت قیمت محصولات پتروشیمی است. به گزارش مهر، محمدعلی دهقان‌دهنوی، رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران اعلام کرد: بخشی از کاهش صادرات به خاطر بحث افت قیمت محصولات پتروشیمی است و نصف دیگر به عوامل دیگر از جمله سیاست‌گذاری‌ها باز می‌گردد. رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران ادامه داد: نوسانات ارزی و مسائل سیاسی در منطقه نیز از دیگر دلایل کاهش تجارت ایران با کشورهای همسایه است. گفتنی است، در سه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴، مجموع تجارت خارجی ایران با همسایگان به ۱۳ میلیارد و ۴۲۷ میلیون دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، از نظر ارزشی ۱۶ درصد و از نظر وزنی ۱۷ درصد کاهش داشته است. در این دوره ایران ۶ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار کالا به کشورهای همسایه صادر کرده که نشان‌دهنده کاهش ۲۲ درصدی نسبت به مدت مشابه قبل است.



عکس: ایرنا

قیمت‌گذاری را حذف کنید

پیشنهاد مرکز پژوهش‌های مجلس برای ایجاد توان جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

علاوه بر پوشش هزینه‌های تولید، بازدهی مناسب برای سرمایه‌گذار تأمین شود. در غیر این صورت دولت مجبور خواهد شد از سرمایه‌گذار محصول را خریداری کرده و مابه‌التفاوت آن را پرداخت کند. این مابه‌التفاوت بار مالی است که بودجه دولت به دلیل محدودیت‌های فوق‌الذکر امکان تأمین آن را نداشته و منجر به نکول دولت و عدم پرداخت تعهداتش به سرمایه‌گذاران زیرساخت می‌شود. بدهی‌های قابل توجه دولت به شرکت‌های تأمین برق و آب شیرین‌کن‌ها در سال‌های اخیر از این جنس است. در نتیجه این نکول، انگیزه سرمایه‌گذاران بعدی از بین رفته و به همین دلیل متقاضی سرمایه‌گذاری جدید در زیرساخت‌های کشور به شدت کاهش یافته است. گفتنی است یکی از گزینه‌های موجود در این باره تغییر قیمت به صورت ترجیحی است؛ نظیر الگویی که در بازار فعلی برق سبز (ماده ۱۶- قانون جهش تولید دانش‌بنیان) به شکل بسیار محدود اجرا شده است. در این الگو به جای افزایش قیمت محصول برای تمامی مصرف‌کنندگان تنها برای گروهی از مصرف‌کنندگان که مصرف بالاتر از الگو یا مصرف منجر به فعالیت اقتصادی دارند، انجام می‌شود و تولیدکنندگان جدید محصول خود را با قیمت‌های ترجیحی به فروش می‌رسانند. اگرچه این راهکار، رفع‌کننده تمامی مسئله نیست؛ اما می‌تواند انگیزه تولیدات جدید را بهبود بخشد. قیمت‌گذاری پلکانی براساس الگوی مصرف نیز از دسته راهکارهای قیمت‌گذاری ترجیحی است که به منظور ارتقای بازدهی طرح‌های تأمین آب و برق می‌توان از آن بهره برد. البته در رویه فعلی به دلیل آنکه قیمت مصرف‌کنندگان بالاتر از الگوی مصرف حتی در پلکان‌های بالا (بیش از سه برابر الگو) همچنان از هزینه تولید نیز کمتر است این راهکار کارکرد لازم را نداشته است. یک تجربه موفق در قیمت‌گذاری ترجیحی، فروش شتاب تسویه‌شده به صنایع است که به دلیل قیمت بالاتر فروش آب به بخش صنعت (نسبت به خانوار) این سرمایه‌گذاری زیرساختی دارای بازده اقتصادی است. یکی دیگر از راهکارهایی که به صورت محدود می‌توان از آن برای ارتقای بازده اقتصادی طرح‌های زیرساختی بهره برد، منافع ناشی از دارایی‌های مازاد دولت (شامل زمین) است. برای مثال در یک طرح آزادراهی که با سرمایه بخش خصوصی تضمین شده است، اعطای مجوز بهره‌برداری از زمین‌های اطراف راه، اجازه تملک و ساخت در مناطق (شهرها) مجاور که در نتیجه تکمیل راه توسعه خواهند یافت می‌تواند منجر به بهبود بازدهی طرح شود (ظرفیت ماده ۱- آیین‌نامه اجرایی قانون احداث پروژه‌های عمرانی بخش راه و ترابری از طریق مشارکت بانک‌ها و سایر منابع پولی و مالی کشور).

اگرچه بازده مناسب شرط لازم برای ورود سرمایه‌های خصوصی و مردمی به تأمین مالی زیرساخت است اما باید توجه داشت که بسیاری از سرمایه‌گذاران علاقه‌ای به طولانی

دلیل تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده، وصول منابع حاصل از صادرات نفت در کشور یا کاهش چشمگیری مواجه شد. این کاهش درآمد ارزی منجر به تضعیف منابع بودجه عمرانی دولت، موجودی صندوق توسعه ملی و حتی منابع داخلی شرکت‌های دولتی حوزه نفت و گاز شد. همچنین وام‌های اعطایی ارزان قیمت نظام بانکی نیز به دلیل ناترازی‌های موجود و محدودیت ترانزنامه‌ای در سال‌های اخیر با محدودیت جدی همراه شده‌اند. از سویی دیگر، در سال‌های اخیر به دلیل عدم تغییر قیمت‌های فروش، بسیاری از کالاهای عمومی دولتی متناسب با رشد هزینه‌های تأمین آنها نظیر قیمت برق، آب، گاز، عوارض جاده‌ای و.. سود شرکت‌های دولتی تأمین‌کننده کاهش یافته و لذا تأمین هزینه‌های نگهداری زیرساخت‌های موجود نیز با چالش همراه شده و استهلاک زیرساخت‌های موجود در کشور را سرعت بخشیده است. با توجه به چشم‌انداز مبهم و فور نفتی مجدد در اقتصاد ایران به دلیل شرایط تحریمی در سال‌های آتی و محدودیت‌های نظام بانکی که به نظر نمی‌رسد در آینده‌ای نزدیک مرتفع شوند، لازم است برای تأمین مالی زیرساخت در کشور چاره جدیدی اندیشید. به عبارت ساده‌تر، تأمین مالی زیرساخت در کشور طبق رویه گذشته از محل منابع نفتی و منابع بانکی ارزان قیمت امکان‌پذیر نیست. در واقع سه منبع جایگزین برای حل این مسئله وجود دارد:

۱- مالیات‌ستانی بیشتر

۲- استقراض دولت

۳- جذب سرمایه‌های خصوصی و مردمی

اگرچه ظرفیت مالیات‌ستانی کشور بیشتر از آن چیزی است که در حال حاضر دریافت می‌شود اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که رشد درآمدهای مالیاتی سریع نبوده و در بهترین حالت کسری هزینه‌های عمومی دولت (نه سرمایه‌گذاری) را نمی‌دهد، لذا باید از راهکار دوم و سوم استفاده کرد.

باید توجه داشت لازمه استفاده از سرمایه‌های خصوصی یا منابع حاصل از استقراض دولت تلاش برای ارتقای بازدهی (داشتن طرح تجاری و مسیر کسب درآمد برای جبران اصل و سود سرمایه‌گذاری) پروژه‌های زیرساختی است و این مهم در هر دو راهکار مشترک است؛ زیرا دولت نیز برای بازپرداخت بدهی‌های خود باید بتواند اصل و سود اوراق قرضه خود را از سرمایه‌گذاری تأمین کند.

بازدهی مناسب ایجاد شود

لازمه کسب بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری در زیرساخت، تعدیل قیمت‌های فروش محصول ناشی از زیرساخت است. بدین منظور لازم است قیمت آب تحویلی به مصرف‌کننده، هزینه عبور و مرور از راه ترمیم شده یا احداث‌شده، برق فروخته شده به شبکه و امثال اینها به اندازه‌ای باشد تا



در سرمایه‌گذاری‌های حوزه زیرساخت نوع غیرمتداول‌تری از ریسک با عنوان ریسک‌های حاکمیتی در درجه بالاتری وجود دارد که پوشش آن از روش‌های معمول می‌تواند منجر به افزایش بسیار زیاد هزینه‌های طرح (برای تأمین مالی)، افزایش قیمت نهایی یا از دست رفتن بازدهی اقتصادی طرح سرمایه‌گذاری شود. از این رو، در بسیاری از کشورها در این مرحله دولت ورود کرده تا ریسک‌هایی از این جنس را در طرح‌های زیرساختی کنترل کند

بانک‌ها هم توان اعطای تسهیلات ندارند

روند سرمایه‌گذاری برای حفظ و نگهداشت و تأمین زیرساخت‌های اساسی در کشور در سال‌های اخیر با چالش جدی همراه بوده است. کاهش موجودی سرمایه اقتصاد یکی از شاخص‌هایی است که می‌تواند این مهم را منتقل کند. در کنار آمارهای موجودی سرمایه چالش‌های ایجادشده و ناترازی‌های موجود در تأمین برق و گاز و مشکلات کیفیت راه‌های مواصلاتی، عدم پیشرفت طرح‌های ریلی و موارد بسیار دیگر نشانه‌های واضح‌تری از این مسئله هستند. در دهه‌های اخیر اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاران اصلی حوزه زیرساخت، دولت و شرکت‌های دولتی بوده‌اند. منابع این سرمایه‌گذاری‌ها از محل بودجه عمرانی دولت، منابع صندوق توسعه ملی، منابع داخلی شرکت‌های دولتی و استقراض از نظام بانکی تأمین شده است. در دهه ۱۳۹۰ به

گروه اقتصاد: منابع دولت اجازه سرمایه‌گذاری نمی‌دهد. به قدری منابع ورودی کاهش پیدا کرده که حتی کفاف هزینه‌های جاری را نیز نمی‌دهد. بنابراین برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای نیازمند سرمایه‌های بخش خصوصی و مردمی هستیم که با قیمت‌گذاری‌های دستوری همخوانی ندارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی به پیش‌زمینه‌های جذب سرمایه بخش خصوصی پرداخته و پیش‌درآمد آن را اصلاح نظام قیمت‌گذاری دانسته است. بنابر این گزارش، در دهه‌های اخیر اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاران اصلی حوزه زیرساخت، دولت و شرکت‌های دولتی بوده‌اند. منابع این سرمایه‌گذاری‌ها از محل بودجه عمرانی دولت، منابع صندوق توسعه ملی، منابع داخلی شرکت‌های دولتی و استقراض از نظام بانکی تأمین شده است. در دهه ۱۳۹۰ به دلیل تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده وصول منابع حاصل از صادرات نفت در کشور با کاهش چشمگیری مواجه شد. این کاهش درآمد ارزی منجر به تضعیف منابع بودجه عمرانی دولت، موجودی صندوق توسعه ملی و حتی منابع داخلی شرکت‌های دولتی حوزه نفت و گاز شد. همچنین وام‌های اعطایی ارزان قیمت نظام بانکی نیز به دلیل ناترازی‌های موجود و محدودیت ترانزنامه‌ای در سال‌های اخیر با محدودیت جدی همراه شده‌اند. با توجه به چشم‌انداز مبهم و فور نفتی مجدد در اقتصاد ایران به دلیل شرایط تحریمی در سال‌های آتی و محدودیت‌های نظام بانکی که به نظر نمی‌رسد در آینده‌ای نزدیک مرتفع شوند، لازم است برای تأمین مالی زیرساخت در کشور چاره جدیدی اندیشید. یکی از راهکارهای حل این مسئله استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری خصوصی و مردمی در زیرساخت است؛ اما باید توجه داشت که لازمه استفاده از این سرمایه‌ها، ارتقای بازدهی پروژه‌های زیرساختی است.